



بررسی تأثیر جهانی شدن بر کاهش فساد اداری

کشورهای عضو منا

وحید تقی‌نژاد عمران^۱

جابر بهرامی^۲

هادی نصیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۳۰

چکیده

فساد اداری، پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه‌ی کشورهای جهان وجود دارد. با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولتها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمیشناسد. این معضل، اقتصاد داخلی را فلج و جریان توسعه را مختل می‌سازد؛ بنابراین به منظور مبارزه با فساد و کنترل آن ضروری است به صورت علمی، عوامل مؤثر بر فساد شناسایی شود.

هدف اصلی این مطالعه، بررسی تأثیر جهانی شدن با استفاده از شاخص جدید و جامع جهانی شدن اقتصاد (KOF) بر فساد اداری در کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۵ می‌باشد. برای این منظور از شاخص ادراک فساد برای اندازه‌گیری فساد اداری (کاهش فساد اداری) در این گروه کشورها استفاده شده است. مدل تحقیق با استفاده از فنون اقتصادسنجی

۱. استادیار دانشگاه مازندران

۲. دانشجو دکترا دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳. دانشجو کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان و مدرس دانشگاه پیام نور ایلام (نویسنده مسول)

پانلی مانند ریشه‌ی واحد پانلی، هم‌انباشتگی پانلی و الگوی اثرات ثابت روش حداقل مربعات تعمیم یافته، تخمین زده شده است.

نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این دارد که جهانی‌شدن تأثیر منفی و معناداری بر شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای مورد بررسی داشته است. علاوه بر این، شاخص توسعه‌ی اقتصادی، حقوق مالکیت، دموکراسی و سرمایه‌ی انسانی، اثر مثبت و معنادار و تورم، و شاخص جمعیت و نرخ پس‌انداز، اثر منفی و معناداری بر شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: جهانی‌شدن، شاخص ادراک فساد، داده‌های پانل، کشورهای عضو منا.

۱. مقدمه

فساد، یکی از پدیده‌های جهانی است که از دیرباز با پیدایش شکل‌های اولیه‌ی حکومت وجود داشته و در زمان معاصر نیز در تمام کشورهای دنیا کم و بیش وجود دارد. فساد، مسیر رشد اقتصادی را با موانعی بسیار مواجه ساخته و بر توسعه‌ی اقتصادی اثر منفی دارد. این تأثیر بر اقتصادهای باز بیش‌تر از اقتصادهای بسته است (بلک‌برن و همکاران^۱، ۲۰۱۰: ۷).

امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاه‌اند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود، و هیچ حدّ و مرزی هم نمی‌شناسد، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی، گوناگون است. به هر صورت، فساد موجب انحطاط است، و سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌گردد (افضلی، ۱۳۹۱: ۲۳۶). به عبارتی، فساد یک بیماری است که رویه‌ها و معیارهای پیشرفت اشخاص در بوروکراسی دولتی را فاسد

می کند (کاهانا و لیو کیجون^۱، ۲۰۱۰: ۸۳).

فساد اداری معمولاً به انحراف از شیوه های قانونی و به طور کلی استفاده ی نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می شود و به اشکال مختلف بروز می کند که رشوه، یکی از آنهاست. پیچیدگی، نارسایی و به روز نبودن قوانین، دیوانسالاری های عریض و طویل و غیر پاسخگو، ناآگاهی عامه ی مردم از حقوق خود، عدم دسترسی به اطلاعات، ضعف اخلاقی، فقر مادی و عدم همپایی حقوق کارکنان دون رتبه با هزینه ها، از زمره دلایلی است که موجب می شود تا رشوه و فساد، ابزاری برای فرار از این گونه مشکلات باشد (الوانی، ۱۳۷۸: ۳۷۲).

فساد اداری عارضه ای است که امروزه گریبان گیر همه ی کشورها توسعه یافته و در حال توسعه است. به سخن دیگر، هیچ کشور پاکی به لحاظ فساد اداری در جهان وجود ندارد. در واقع هر جایی که دولت وجود داشته باشد، فساد اداری نیز کم و بیش وجود خواهد داشت (تقوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸). بانک جهانی و سازمان بین المللی شفافیت^۲ و برخی نهادهای بین المللی، فساد را به معنی سوء استفاده از منصب دولتی، حکومتی برای نفع شخصی یا انتفاع اشخاص ثالث دانسته اند که متضمن قبول پول، هدیه یا هرگونه امتیاز دیگر توسط یک صاحب منصب در ازای انجام یا عدم انجام فعلی برخلاف وظایف مقرر قانونی و سازمانی است (محبت خان^۳، ۲۰۱۱).

فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت های نادرست برای دستیابی به درآمدهای سهل الوصول، زمینه ی رکود در تمام ابعاد جامعه را فراهم می کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه ی اداری، ضرورتی جدی و انکار ناپذیر است (شائمی برزکی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

در مجموع با توجه به اهمیت موضوع فساد، نیازمند شناسایی عوامل مؤثر و راه های مبارزه با آن هستیم. به همین منظور در این مطالعه تلاش گردیده تا تأثیر جهانی شدن بر کاهش فساد اداری با تکیه بر روش داده های پانلی برای داده های

1. Kahana and Liu Qijun
2. Transparency International Organization
3. Mohabbat khan

کشورهای عضو منا و دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ مورد تحلیل قرار گیرد. علت انتخاب کشورهای عضو منا^۱ به دلیل اهمیت جایگاه ژئوپلتیک ساختار اقتصادی مشابه کشورهای مزبور است که به نوعی در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان از نظر راهبردی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واقع شده‌اند. از سوی دیگر با توجه به این که این کشورها دارای منابع نفتی و گازی فراوانی هستند، وجود همین منابع می‌تواند منجر به افزایش فساد گردد. پس از بیان مقدمه، در بخش دوم، مبانی نظری ارائه خواهد شد، و در بخش سوم به مروری بر مطالعات انجام شده، می‌پردازیم. بخش چهارم به معرفی متغیرها، توصیف داده‌های آماری و تصریح مدل اختصاص یافته است. در بخش پنجم، نتایج تجربی تبیین و در نهایت بخش ششم به نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری

اگرچه مسئله‌ی جهانی شدن و فساد به تازگی مطرح نشده، لیکن در دهه‌های اخیر به دلیل اهمیت موضوع، محور پژوهش‌های علمی واقع گردیده است (باگوواتی^۲، ۲۰۰۴: ۳۲). فساد به عنوان یک مشکل عمده‌ی بین‌المللی، ظرفیت‌های توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی را تهدید می‌کند، با افزایش روند جهانی شدن از اوایل ۱۹۸۰، بازار کالا و خدمات و همسویی مردم به سمت جهانی شدن فعالیت‌های غیر قانونی، ابعاد بین‌المللی سود ناشی از فساد، قابل توجه گردیده است (جزف^۳، ۲۰۱۲: ۱).

جهانی شدن می‌تواند اثرات مختلفی بر سطوح فساد کشورها داشته باشد.

۱. منا (Middle East and North Africa) به معنی خاورمیانه و شمال آفریقا اصطلاحی می‌باشد که برای نامیدن کشورهای عمده تولیدکننده نفت که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند به کار می‌رود. حد این منطقه از کشور مراکش در شمال غربی قاره آفریقا آغاز و تا ایران، شرقی‌ترین کشور منطقه خاورمیانه امتداد می‌یابد. این منطقه دارای ۶۰ درصد منابع نفتی و ۴۵ درصد منابع گازی جهان می‌باشد. اقتصاد این کشورها رابطه تنگاتنگی با تغییرات جهانی بهای نفت دارد. این منطقه یکی از قدیمی‌ترین حوزه‌های برداشت نفت در جهان محسوب می‌شود.

2. Bhagwati
3. Joseph

بر اساس نظر شانگ^۱ (۲۰۰۹)، کشورهای فاسدتر مزایای کمتری از جهانی‌شدن دریافت خواهند نمود و در نتیجه، کاهش فساد یک اولویت در سطوح ملی و بین‌المللی تلقی می‌گردد. اگرچه رابطه‌ی بین فساد و جهانی‌شدن یک رابطه‌ی مستقیم نیست، با این حال، جهانی‌شدن ممکن است تعادل بین هزینه‌ها و منافع فساد را تغییر دهد (بونالیا و همکاران^۲، ۲۰۰۱: ۲).

اثرگذاری جهانی‌شدن بر فساد با توجه به مطالعات تجربی، یافته‌های متناقضی را نشان می‌دهد. دلیل اصلی اختلاف نظر میان پژوهشگران در ویژگی‌های چند بعدی "جهانی‌شدن" است. برخی از محققان استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن و رشد درجه‌ی آزادی تجاری در بین کشورها باعث افزایش فساد می‌گردد؛ همچنان لیکن^۳ (۱۹۹۷) و الیوت^۴ (۱۹۹۷) بیان نموده‌اند که جهانی‌شدن منجر به کاهش تشخیص فساد با استفاده از تجارت الکترونیک گردیده است.

گلاین^۵ و همکاران (۱۹۹۹) سرعت رو به رشد جهانی‌شدن اقتصاد را عاملی جهت انتقال فساد در کل جهان عنوان نمودند. ویلیامز و بییر^۶ (۱۹۹۹) اشاره می‌کنند که جهانی‌شدن انگیزه و فرصت ایجاد فساد را به شیوه‌های مختلف فراهم نموده و به رشد فساد کمک می‌کند؛ به عنوان مثال، موانع زیاد در معاملات بین‌المللی، بخش خصوصی را به رشوه دادن مقامات دولتی تشویق کند. از سوی دیگر، برخی از محققان معتقدند که جهانی‌شدن، سطح فساد را کاهش می‌دهد. اختر^۷ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که فراهم آمدن زمینه‌ی لازم جهت تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام کشورها در سطح بین‌الملل، باعث پاسخ‌گویی و شفافیت بیشتر نهادهای دولتی و سیاسی شده که خود منجر به کاهش ایجاد فساد می‌شود.

چوو سانگ^۸ (۲۰۰۴) بیان می‌کند که سازمان‌های فراملی قدرتمند از طریق

1. Shang
2. Bonaglia et Al
3. Leiken
4. Eillot
5. Glynn
6. Williams and Beare
7. Akhter
8. Chu and Sung

اداره‌ی امور و نظارت، کشورهای را که قصد ورود به اقتصاد جهانی دارند به ارائه‌ی شفافیت‌های مالی، سیاست پولی مناسب، انتشار اطلاعات واقعی و ... ملزم می‌دارد. جهانی‌شدن، از طریق کاهش یا حذف موانع تجارت، سرمایه‌گذاری و شفافیت بین‌المللی، منجر به کاهش فساد خواهد شد. علاوه بر این، جهانی‌شدن نیازمند اصطلاحات ساختاری و نهادی، آزادسازی بازارها، افزایش رقابت و شفافیت معاملات و بهبود کیفیت خدمات در بخش دولتی برای مبارزه با فساد بوده و در نتیجه، ممکن است سطح فساد را کاهش دهد (دیونیسوز^۱، ۲۰۱۱: ۶۳۷).

۳. مروری بر مطالعات تجربی

زنک و وارن^۲ (۱۹۹۹)، با استفاده از یک تحلیل تجربی و با دو مدل حداقل مربعات معمولی و حداقل مربعات دو جمله‌ای، نشان دادند که درجه‌ی شفافیت یک عامل مهم در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، و میزان بالای عدم شفافیت تا حد زیادی می‌تواند جذب سرمایه‌گذاری خارجی را به تأخیر اندازد، و در نتیجه کشوری که به درجه‌ای از شفافیت در سیاست و نهادها رسیده، می‌تواند انتظار از افزایش قابل توجهی در سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد.

بونگالیا و همکاران (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به بررسی آزادسازی تجاری به عنوان شاخص جهانی‌شدن بر شاخص فساد اداری با استفاده از روش داده‌های تابلویی و یک دوره‌ی زمانی ۲۰ ساله برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته که دسته‌بندی آنها بر اساس شاخص دموکراسی، مستعمره بودن و عضویت داشتن در اتحادیه‌ی اروپا انجام گردیده است؛ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری، بر فساد، اثری منفی داشته است.

گریف و ملکاپ^۳ (۲۰۰۳)، اثر اجزای مختلف آزادی اقتصادی بر فساد را با ارایه یک الگوی پایدار مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که برخی از جنبه‌های آزادی اقتصادی، از فساد جلوگیری می‌کنند، و بین آزادی

-
1. Dionisios
 2. Zdenek and Warren
 3. Graeff and Mehlkop

اقتصادی و فساد یک رابطه‌ی قوی وجود دارد که این ارتباط بستگی به سطح کشور از لحاظ توسعه دارد.

داس و دیریونزو^۱ (۲۰۰۹)، در یک مطالعه‌ی تجربی با استفاده از شاخص ادراک فساد^۲ و شاخص جهانی شدن FOK و با استفاده از دو مدل رگرسیون مجزا به این نتیجه رسیدند که یک رابطه‌ی غیرخطی بین جهانی شدن و فساد وجود دارد. به‌طور خاص نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اثر جهانی شدن بر فساد به سطح جهانی و سطح فساد در هر یک کشورهای مورد بررسی بستگی دارد.

دیونیسوز و همکاران^۳ (۲۰۱۱)، رابطه‌ی بین جهانی شدن و فساد را با استفاده از داده‌های مقطعی برای ۱۲۷ کشور بررسی کردند. نتایج نشان داد که با فرض یک مدل خطی، همبستگی مثبت بین فساد و جهانی شدن وجود دارد. آن‌ها تحلیل کردند که هم‌خطی یک تقریب خوب، تنها برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا است. نتیجه‌گیری اصلی آن‌ها در این بود که جهانی شدن یک سلاح قدرتمند در برابر فساد تنها برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا است.

سها و جی سو^۴ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه‌ی بین دموکراسی، آزادی اقتصاد و فساد با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۱۰۰ کشور طی دوره‌ی زمانی ۲۰۰۸-۱۹۹۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اگرچه دموکراسی و آزادی اقتصادی به صورت مجزا در کشورهای با فساد بالاتر، قادر به کاهش فساد نشده، اما با تعامل این دو متغیر به صورت هم‌زمان، فساد کاهش پیدا کرده است.

جوزف و بامیدل^۵ (۲۰۱۲)، مسیرهای جهانی شدن در تولید فساد و موانع رشد اقتصادی در نیجریه را با استفاده از یک مدل RAVS و برای دوره‌ی زمانی ۱۹۷۰-۲۰۱۰ بررسی نمودند، نتایج این مطالعه بیانگر آن است که تولید جهانی از طریق اثرگذاری بر فساد، اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و جهانی شدن حساب‌ها شوک‌هایی منفی از طریق فساد بر اقتصاد وارد می‌کند.

1. Das and DiRienzo
2. Corruption Perceptions Index
3. Dionisios and et Al
4. Saha and Je su
5. Joseph and Bamidele

۴. تصریح مدل

در این مقاله به پیروی از مطالعات داس و دیریونزو (۲۰۰۹) و بادینگر و لیندل (۲۰۱۲) عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری یا به عبارت بهتر معادله‌ی کاهش فساد اداری را میتوان به صورت زیر نوشت:

$$CPI_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 KOF_{it} + \sum_{k=2}^9 \alpha_k Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$i=1,2,3,\dots,14 \text{ and } t=1995, 1996,\dots, \quad (1)$$

که در آن:

IPC: شاخص ادراک فساد به عنوان متغیر جایگزین برای اندازه‌گیری فساد اداری در کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا استفاده شده است. این شاخص از سال ۱۹۹۵ به بعد توسط سازمان بین‌المللی شفافیت (IT) منتشر گردیده و مقدار عددی آن بین صفر و ده می‌باشد. با نزدیک شدن این شاخص به مقدار ۱۰ از میزان فساد اداری کاسته شده و با میل نمودن این متغیر به صفر بر میزان فساد اداری افزوده می‌شود. لازم به توضیح است که شاخص‌ها و معیارهای موجود در زمینه‌ی محاسبه‌ی فساد اداری ذهنی بوده و بر اساس بررسی‌ها و نظرسنجی‌های مؤسسه‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی و راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها استخراج می‌شود. دلیل استفاده از شاخص ادراک فساد در این مطالعه این است که این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر، اطلاعات جامعی در خصوص موارد مختلف فساد اداری نظیر ارتشا و اختلاس توسط کارمندان دولتی را ارائه می‌نماید. علاوه بر این، سازمان بین‌المللی شفافیت از طریق تهیه‌ی فرم‌های بررسی و نظرسنجی سایر مؤسسات بین‌المللی اقدام به انتشار آمار و اطلاعات برای شاخص ادراک فساد کشورها نموده و برای کاهش تغییرات احتمالی نمره‌ی هر کشور و دقت بیشتر در محاسبات، از آمار و اطلاعات سه سازمان معتبر بین‌المللی استفاده می‌کند. آمار و اطلاعات مورد استفاده برای شاخص ادراک فساد از درگاه آمار سازمان هریتیج^۱ استخراج شده است. داده‌ها بر اساس آمار سازمان بین‌المللی شفافیت بین صفر تا صد تعدیل

شده است؛ همچنین برای هماهنگی بیشتر این متغیر با دیگر متغیرها، تمامی اعداد مربوط به آمار این متغیر بر عدد ۱۰۰ تقسیم شده است.

شاخص جهانی شدن (FOK): هنگامی که فرآیندی همانند جهانی شدن با این ابعاد بر سرنوشت بشری تأثیر می گذارد، معیارها و مقیاس هایی برای اندازه گیری و مقایسه ی آن شکل می گیرد. یکی از شاخص هایی که جهانی شدن را با تأکید بر معیارهای دنیای غرب رتبه بندی می کند، شاخص FOK است. این شاخص معیاری از جهانی شدن اقتصاد، متغیرهای اجتماعی و سیاسی است. شاخص جهانی شدن اجتماعی با ۳۸ درصد بالاترین وزن را به خود اختصاص داده است؛ همچنین شاخص جهانی شدن اقتصادی ۳۶ درصد و شاخص جهانی شدن سیاسی با ۶۲ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در این تحقیق از شاخص اقتصادی جهانی شدن به عنوان شاخص جهانی شدن استفاده شده است. جدول زیر به توضیح و نحوه ی محاسبه ی شاخص اقتصادی جهانی شدن پرداخته شده است:

جدول (۱) شاخص اقتصادی جهانی شدن

| جهانی شدن اقتصاد ($KOF^{economic}$) | | |
|---------------------------------------|-----|---|
| منبع | وزن | شاخص ها و متغیرها |
| | ۵۰ | الف. جریان های واقعی |
| <i>Bank World</i> | ۲۱ | تجارت (درصد از GDP) |
| <i>UNCTAD</i> | ۲۸ | سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سهام (درصد از GDP) |
| <i>IMF</i> | ۲۴ | سرمایه گذاری پرتفولیو (درصد از GDP) |
| <i>Bank World</i> | ۲۷ | پرداخت سود به دولت های خارجی (درصد از GDP) |
| | ۵۰ | ب. محدودیت ها |
| <i>Gwartney et al</i> | ۲۴ | موانع پنهان واردات |
| <i>World Bank</i> | ۲۷ | متوسط نرخ تعرفه ی گمرکی |
| <i>Gwartney et al</i> | ۲۶ | مالیات بر تجارت بین المللی (درصد از درآمد جاری) |
| <i>Gwartney et al</i> | ۲۳ | محدودیت های حساب سرمایه |

منبع: گزارش موسسه FOK. سال ۲۰۱۲؛ (hc.zhte.fok.noitazilabolg//:ptth)

نماد slortnoC نشانگر متغیرهای کنترلی است که بر پایه‌ی ادبیات موضوع تحقیق افزون بر شاخص جهانی شدن بر کاهش فساد اداری اثر می‌گذارند.

شاخص دموکراسی (ycarcomeD): برای اندازه‌گیری دموکراسی در این مقاله به پیروی از دانگ و تورگلر^۱ (۲۰۱۱) و مقاله برندان^۲ (۲۰۰۷) با استفاده از مقیاس ترکیبی از دموکراسی و اتوکراسی (نظام دیکتاتوری)، به عنوان شاخص دموکراسی در نظر گرفته شده است. دامنه‌ی این متغیر از ۱۰- (دیکتاتوری کامل) تا ۱۰+ (دموکراسی کامل) مرتب شده و شامل پنج مؤلفه‌ی رقابتی کردن عضوگیری حزبی، آزاد کردن عضوگیری حزبی، تغییر سیستم مدیرمحور به قانون‌محور، رقابتی کردن حضور سیاسی و نظارت مردم بر اعمال دولت است. اطلاعات و داده‌های مربوط به مؤلفه‌ی دموکراسی از شاخص VI ytilop که توسط دانشگاه مریلند منتشر می‌شود، جمع‌آوری گردیده است. از آن‌جا که مقدار عددی این شاخص بین ۱۰- (دیکتاتوری کامل) و ۱۰+ (دموکراسی کامل) است، برای هماهنگی بیشتر این متغیر با دیگر متغیرها، تمامی اعداد مربوط به آمار متغیر مزبور بر عدد ۱۰ تقسیم شده است.

شاخص حقوق مالکیت (thgir ytreporP): طبق مطالعه‌ی ناک و کیفر^۳ (۱۹۹۷) از شاخص حقوق مالکیتی که توسط آن‌ها ارائه شده، به عنوان شاخص حقوق مالکیت استفاده شده است. آمار مربوط به این شاخص از درگاه موسسه‌ی هریتیج به دست آمده است. این شاخص از پنج مؤلفه‌ی ریسک یا احتمال سلب مالکیت خصوصی شرکت‌ها توسط دولت، احتمال نقض قراردادها توسط دولت، میزان و سطح حاکمیت قانون در اداره‌ی کشور، فساد در ساختار ادارات دولتی و کیفیت بوروکراسی تشکیل شده است. مقدار عددی این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ متغیر است که هرچه مقدار عددی متغیر حقوق مالکیت بزرگتر باشد، نشانگر وضعیت بهتر حقوق مالکیت است. برای تطبیق بیشتر آمار حقوق مالکیت با آمار مربوط به سایر متغیرها، اعداد این شاخص بر ۱۰۰ تقسیم شده است.

شاخص تورم (NI)، نرخ تورم کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. شاخص

1. Dong and Torgler
2. Brendan
3. Knack and Keefer

توسعه‌ی اقتصادی (ED): رشد تولید ناخالص داخلی سرانه که شاخص درجه‌ی توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد. شاخص اندازه دولت (VOG): سهم نسبی مخارج کل دولت به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص اندازه‌ی دولت می‌باشد. نرخ پس‌انداز (VAS): نسبت پس‌انداز ناخالص داخلی به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود. شاخص جمعیت (POP): لگاریتم جمعیت شهری است. شاخص سرمایه‌ی انسانی (H): نرخ ناخالص ثبت نام در مقطع متوسطه^۱ در نظر گرفته شده است. اطلاعات مربوط به تمامی متغیرهای کنترلی از درگاه بانک جهانی^۲ سال ۲۰۱۳ خارج شده است.

مدل مذکور برای ۱۴ کشور عضو منا^۳ (ایران، الجزایر، بحرین، کویت، عمان، قطر، مصر، اردن، مراکش، عربستان سعودی، سوریه و تونس، امارات، یمن) و دوره‌ی زمانی مورد مطالعه سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۹۵ می‌باشد.

۵. نتایج تجربی

۵-۱. آزمون پایایی متغیرها

وقتی که تعداد مشاهدات سری زمانی در هر کدام از مقاطع زیاد باشد، می‌توان تحلیل پایایی (وجود ریشه‌ی واحد) را برای هر کدام از آن مقاطع مورد بررسی قرار داد، اما قدرت آزمون ریشه‌ی واحد هنگامی که طول دوره داده‌ها کم است، بسیار پایین می‌باشد. در این شرایط، استفاده از آزمون ریشه‌ی واحد مبتنی بر داده‌ای تابلویی برای افزایش قدرت آزمون‌ها ضروری است. به عنوان مثال، آزمون‌های معمول ریشه‌ی واحد مثل دیکی فولر^۴، دیکی فولر^۵ تعمیم یافته^۶ و فلیپس پرون^۶ که برای یک سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند،

1. School Enrollment, Secondary
2. www.worldbank.org

۳. با توجه به دلیل نبود اطلاعات آماری مربوط به برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تعداد این کشورها به ۱۴ کشور مذکور محدود شده است.

4. Dickey-Fuller
5. Augmented Dickey-Fuller
6. Phillips-Perron

از توان آزمون پایینی برخوردار بوده و دارای تورش به سمت قبول فرضیه‌ی صفر هستند. این موضوع وقتی که حجم نمونه کوچک است، خیلی تشدید می‌شود. یکی از روش‌هایی که برای رفع این مشکل پیشنهاد شده، استفاده از داده‌های پانلی برای افزایش حجم نمونه و آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی است؛ بنابراین پیش از برآورد مدل تحقیق، لازم است پایایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین، مورد آزمون قرار گیرد، زیرا عدم پایایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های تابلویی، باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. به هر حال ضروری است حداقل یکی از پنج آزمون لوین لین چو^۱، آزمون ایم، پسران و شیم^۲، آزمون فیشر دیکی فولر تعمیم یافته^۳، آزمون فیشر-فیلپس پرون^۴ و هادری^۵ برای آزمون ریشه‌ی واحد پنل مورد استفاده قرار گیرد.

این آزمون‌ها اصطلاحاً آزمون‌های ریشه‌ی واحد پانل نامیده می‌شوند، از لحاظ تئوری، آن‌ها آزمون‌های ریشه‌ی واحد، سری‌های چندگانه هستند که برای ساختارهای اطلاعات پانل به کار رفته‌اند. در این آزمون‌ها روند بررسی پایایی تمامی روش‌های فوق به غیر از روش هادری به یک صورت است و با رد H_0 ، عدم پایایی منتفی می‌شود و بیانگر پایایی متغیر است؛ بنابراین با رد فرضیه‌ی H_0 ناپایایی یا ریشه واحد رد می‌شود و پایایی پذیرفته می‌شود که یا در سطح و یا با یک تفاضل و یا با دو تفاضل پایا می‌شود، که برای تشخیص این قسمت به $borp$ آن توجه می‌گردد که بایستی از ۵ یا ۱۰ درصد کوچکتر باشد.

به منظور بررسی پایایی جمعی^۶ متغیرها از چهار آزمون لوین لین چو، آزمون ایم، پسران و شیم، آزمون فیشر-فیلپس پرون و آزمون فیشر دیکی فولر تعمیم استفاده شده است.

-
1. Levin, Lin & Chu
 2. Im, Pesaran & Shin
 3. Fisher - ADF
 4. Fisher - PP
 5. Hadri
 6. Common Unit Root

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد جمعی متغیرهای مدل

| <i>Unitroot Variables</i> | <i>PP - Fisher Chi-square</i> | <i>ADF Fisher Chi-square</i> | <i>Im, Pesaran and Shin W-stat</i> | <i>Levin, Lin & Chut</i> |
|--|-------------------------------|------------------------------|------------------------------------|------------------------------|
| <i>Corruption (first difference)</i> | ۱۰۷.۱۸ (۰.۰۰۰۰) | ۷۹.۷۵۵ (۰.۰۰۰۰) | -۵.۰۵۵ (۰.۰۰۰) | -۷.۱۳۳ (۰.۰۰۰۰) |
| <i>KOF (first difference)</i> | ۱۴۴.۱۵۸ (۰.۰۰۰۰) | ۶۵.۱۶۱ (۰.۰۰۰۰) | -۳.۹۵۴ (۰.۰۰۰) | -۳.۸۸۹ (۰.۰۰۰۱) |
| <i>Democracy (first difference)</i> | ۶۶.۳۳۱ (۰.۰۰۰۰) | ۳۷.۶۳۶ (۰.۰۰۴۳) | -۳.۰۱۷ (۰.۰۰۱۳) | -۲.۵۶۸ (۰.۰۰۵۱) |
| <i>Property Right (first difference)</i> | ۸۱.۹۵ (۰.۰۰۰۰) | ۳۷.۶۴۹ (۰.۰۰۹۸) | -۲.۵۵۴ (۰.۰۰۵۵) | -۱.۳۰۸ (۰.۰۹۵۴) |
| <i>DE (first difference)</i> | ۲۷۸.۰۸۱ (۰.۰۰۰۰) | ۱۱۱.۸۵۹ (۰.۰۰۰۰) | -۷.۲۶۶ (۰.۰۰۰۰) | -۲.۶۲۵ (۰.۰۰۴۳) |
| <i>SAV (first difference)</i> | ۱۳۸.۸۲ (۰.۰۰۰۰) | ۷۸.۲۱۸ (۰.۰۰۰۰) | -۵.۱۰۳ (۰.۰۰۰۰) | -۵.۴۰۵ (۰.۰۰۰۰) |
| <i>INF (level)</i> | ۱۴۹.۷۳۳ (۰.۰۰۰۰) | ۷۸.۴۳۲ (۰.۰۰۰۰) | -۴.۹۲۲ (۰.۰۰۰۰) | -۶.۶۸۴ (۰.۰۰۰۰) |
| <i>H (first difference)</i> | ۴۶.۰۸۳ (۰.۰۰۱۹) | ۲۵.۵۶۱ (۰.۱۱۰۲) | -۱.۴۷۳ (۰.۰۷۰۳) | -۲.۳۴۸ (۰.۰۰۹۴) |
| <i>POP (level)</i> | ۳۹.۰۵۴ (۰.۰۸۰۰) | ۱۵۴.۴۳۸ (۰.۰۰۰۰) | -۱۲.۶۸۱ (۰.۰۰۰۱) | -۱۱.۲۷۶ (۰.۰۰۰۰) |
| <i>GOV (first difference)</i> | ۱۴۹.۳۲۶ (۰.۰۰۰۰) | ۷۱.۷۴ (۰.۰۰۰۰) | -۵.۲۹۷ (۰.۰۰۰۰) | -۶.۵۰۸ (۰.۰۰۰۰) |

منبع: یافته‌های تحقیق؛ اعداد داخل پرانتز eulav-p می‌باشد.

با توجه به نتایج جدول ۲ و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آن‌ها، مشخص می‌گردد که شاخص فساد، جهانی‌شدن، دموکراسی، حقوق مالکیت، درجه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، نرخ پس‌انداز، سرمایه‌ی انسانی و اندازه‌ی دولت با یک‌بار تفاضل‌گیری پایا شدند. متغیرهای دیگر معادله در سطح پایا است.

۵-۲. آزمون هم‌انباشتگی (همجمعی) داده‌های پانلی^۱

با توجه به این که براساس آزمونهای پایایی برخی از متغیرهای مدل ناپایا هستند، با توجه به نظر گرنجر^۲ برای اجتناب از وضعیت‌های رگرسیون دروغین، آزمون هم‌جمعی را می‌توان به عنوان یک پیش آزمون استفاده کرد (گرنجر، ۱۹۸۶). در این راستا برای اطمینان از نبودن رگرسیون کاذب، آزمون هم‌جمعی انجام گرفت. برای بررسی وجود هم‌جمعی داده‌های پانل، چندین آزمون مانند آزمون کائو^۳، آزمون پدرونی^۴ و آزمون فیشر^۵ وجود دارد که مطالعه‌ی حاضر از آزمون کائو استفاده شده است؛ زیرا انجام آزمون پدرونی به دلیل زیاد بودن تعداد متغیرهای مدل و آزمون فیشر به علت ناکافی بودن داده‌ها، امکان‌پذیر نبود. با توجه به جدول (۳) مقدار آماره t ، در آزمون کائو، وجود هم‌جمعی در سطح اطمینان ۹۴ درصد را تأیید می‌کند، و بنابراین یک رابطه‌ی تعادلی بلندمدت میان شاخص ادراک فساد و متغیرهای مستقل مدل وجود دارد و رگرسیون برآوردی دروغین نخواهد بود.

جدول ۳: نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو

| <i>Cointegration Kao</i> | <i>t-Statistic</i> | <i>value-P</i> |
|--------------------------|--------------------|----------------|
| <i>ADF</i> | -۲.۵۲۹ | ۰.۰۵۹ |

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۳. نتایج برآورد

پیش از بررسی نتایج برآورد مدل نیاز است اندکی درباره‌ی روش داده‌های پانل گفته شود. نخست می‌باید دریافت که آیا مقاطع مورد بررسی همگن‌اند یا خیر؛

1. Co-integration analysis
2. Granger
3. Kao
4. Pedroni
5. Fisher

اگر مقاطع همگن باشند، بدون نگرانی از پیدایش خطای تصریح، می توان روش حداقل مربعات تجمیع شده را به کار برد، و گرنه می باید از روش داده های پانل استفاده کرد. از نظر اقتصادسنجی این مفهوم یعنی:

$$(۲) \quad \text{مدل مقید} \quad Y_i = Z_i\delta + U_i$$

$$(۳) \quad \text{مدل غیرمقید} \quad Y_i = Z_i\delta_i + U_i$$

$$I=1, 2, \dots, N$$

آماره ی این آزمون دارای توضیح F می باشد و در واقع مثل این است که ما با دو مدل مقید و غیرمقید روبرو هستیم که در مدل مقید، عرض از مبداها ثابت و یکسان می باشند:

$$(۴) \quad F_0 = \frac{(RSS - URSS) / (N - 1)}{URSS / (N - N - K)} \approx F_{N-1, N(T-1)-K}$$

در رابطه ۴، $SSRR$ مجموع مربعات پسماندهای مدل مقید، $SSRU$ مجموع مربعات پسماندهای مدل غیرمقید، T دوره ی زمانی، N تعداد مقاطع و K تعداد متغیرهای توضیحی مورد بررسی است. فرض صفر در این آزمون، برابر بودن عرض از مبداها می باشد. حال اگر بر پایه ی آزمون بالا این نتیجه به دست آید که مقاطع همگن نمی باشند، می باید یکی از روش های تخمین پانل دیتا یعنی روش اثرات ثابت یا روش اثرات تصادفی را به کار برد. برای تصمیم گیری در مورد گزینش میان دو روش یاد شده، باید آگاه بود که روش اثرات ثابت معمولاً هنگامی کارایی دارد که کل جامعه ی آماری در نظر گرفته شود، چنانچه میان جامعه ای بزرگ، نمونه هایی به صورت تصادفی (نمونه گیری) انتخاب شود، روش اثرات تصادفی کارا تر خواهد بود. در این زمینه، هاسمن در سال ۱۹۸۷ آزمون را پیشنهاد کرده است که بر پایه آن وجود اختلاف میان

برآورد گرهای روش اثرات ثابت^۱ و روش اثرات تصادفی^۲، به عنوان فرض صفر در نظر گرفته شده‌اند؛ این گونه که با رد فرض صفر می‌توان نتیجه گرفت که به کار بردن روش اثرات ثابت بهتر است.

برای شناسایی نوع برآورد مدل به وسیله‌ی روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی از آزمون F-لیمر و برای برگزیدن نوع برآورد از میان روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن^۳ استفاده شد. برآوردها به کمک نرم‌افزار 7 sweiVE انجام گرفته که در جدول ذیل (۴) از این قرار است:

جدول ۴: نتایج آزمون‌ها برای تعیین روش برآورد الگو

| نتیجه | <i>value-P</i> | <i>t-Statistic</i> | نوع آزمون |
|---|----------------|--------------------|-----------|
| رد فرض H_0 و تأیید روش داده‌های تابلویی | ۰.۰۰۰۰ | ۲۳.۳۴۶ | F-لیمر |
| رد فرض H_0 و تأیید روش اثرات ثابت | ۰.۰۶۳۸ | ۱۶.۱۵۱ | هاسمن |

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود، نتایج دو آزمون F-لیمر و هاسمن داده‌های تابلویی، برآورد مدل کاهش فساد به روش اثرات ثابت در سطح اطمینان ۹۳ درصد را پیشنهاد می‌کند. همچنین به دلیل فقدان برخی از داده‌های آماری متغیرها برای کل دوره از روش پانل نامتوازن برای برآورد ضرایب مدل استفاده شده است.

نتایج برآورد مدل به روش اثرات ثابت در جدول (۵) آمده است:

1. Fixed Effect
2. Random Effect
3. Hausman

جدول ۵: نتایج تخمین مدل کاهش فساد اداری با استفاده از روش اثرات ثابت

| متغیر وابسته: شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) | | | |
|---|---------------------|----------------|---------------|
| متغیر مستقل | ضریب | آماره <i>t</i> | سطح معنی داری |
| <i>C</i> | -۰.۱۸ | -۴.۲۶۶ | ۰.۰۰۰۰ |
| <i>KOF</i> | -۰.۳۹* | -۵.۵۲ | ۰.۰۰۰۰ |
| <i>Democracy</i> | ۰.۰۲* | ۴.۳۱ | ۰.۰۰۰۰ |
| <i>Property Right</i> | ۰.۱۴** | ۲.۱۶ | ۰.۰۳۱۹ |
| <i>DE</i> | -۰.۳۷** | -۲.۵۴ | ۰.۰۱۲۲ |
| <i>SAV</i> | -۰.۲** | -۲.۲۷ | ۰.۰۲۴۶ |
| <i>INF</i> | -۰.۰۶ | -۰.۶۱۱ | ۰.۵۴۱ |
| <i>H</i> | ۰.۱۳*** | ۱.۷۸۵ | ۰.۰۸۰۶ |
| <i>POP</i> | -۰.۴۷ | -۱.۰۴ | ۰.۲۹۷۹ |
| <i>GOV</i> | -۰.۴۸*** | ۱.۷۰ | ۰.۰۹۰۴ |
| <i>Cross section</i> | ۱۴ | | |
| <i>observation Total</i> | ۱۴۹ | | |
| <i>F-statistic</i> | ۴۶.۵۳۹ (۰.۰۰۰۰۰) | | |
| <i>R2</i> | ۰.۷۷ | | |

منبع: یافته های تحقیق؛ * سطح معنی داری ۱ درصد، ** سطح معنی داری ۵ درصد و *** سطح معنی داری ۰.۱ درصد.

مطابق نتایج جدول (۵)، جهانی شدن، رابطه‌ی منفی و معناداری با شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای عضو منا داشته، به طوری که یک واحد تغییر در شاخص مربوط به جهانی شدن، منجر به کاهش ۰/۳۹ واحد در شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) خواهد شد. ساختار اقتصادی کشور در یک تعامل مستقیم با فساد است که مهم ترین متغیرهای اقتصادی مرتبط عبارت است از میزان فاصله‌ی طبقاتی، نحوه‌ی توزیع درآمدها، منابع تولید درآمد، نرخ مالیات‌ها، نرخ تورم و همچنین توان مالی دولت که با توجه به ساختار اقتصادی کشورهای عضو منا و این که عوامل ذکر شده بالا می‌تواند

عامل ایجاد فساد را در پرتو یکپارچه شدن کشورها تشدید کند، به ناچار کشورهای مزبور باید قبل از همراهی با موج جهانی شدن و استفاده از مزایای آن، تعدیلاتی در ساختار اقتصادی خود انجام دهند.

دموکراسی و حقوق مالکیت، رابطه‌ی مثبت و معناداری با میزان کاهش فساد اداری در کشورهای عضو منا دارد. رزاکرمن^۱ (۲۰۰۱) مطرح کرد که اگر چه درجه‌ی دموکراسی در توضیح فساد بی‌اهمیت است، ولی هر قدر ساختار دموکراسی در یک کشور نهادینه‌تر شود، فساد کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که فساد به سطح رشد اقتصادی، همچنین سیستم قانونی و حکومتی کشور مرتبط است (دیویدان‌جی^۲، ۲۰۰۶). حاصل تخمین مدل در این مطالعه نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش در شاخص دموکراسی، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، ۰/۰۲ واحد افزایش خواهد یافت.

نتایج تخمین در مقاله‌ی حاضر نیز مبتنی بر اثر مثبت و معنی‌دار حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری است. اثرگذاری حقوق مالکیت بر کاهش فساد اداری از طریق ایجاد انگیزه برای صاحبان فناوری است. کلیه‌ی شرکت‌ها، بنگاه‌ها و افراد سرمایه‌گذار که دارای بخش‌های تحقیق و توسعه‌اند و از طریق سرمایه‌گذاری بر روی این بخش به نتایجی دست می‌یابند و در نهایت موفق به ایجاد فناوری جدید و یا اختراع می‌گردند، خواستار شرایطی هستند که بتوانند به صورت انحصاری از فناوری خود استفاده کرده و سود کسب کنند. طبق گفته‌ی نادگروود کیویسز^۳ (۲۰۱۲) حقوق مالکیت این شرایط را فراهم می‌آورد و به همین دلیل افزایش حقوق مالکیت منجر به کاهش فساد اداری می‌گردد. با یک واحد افزایش در شاخص حقوق مالکیت، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، ۰/۱۴ واحد افزایش خواهد یافت.

ضریب شاخص توسعه‌ی اقتصادی، منفی و معنادار است. مطابق جدول (۴) یک درصد افزایش در شاخص توسعه‌ی اقتصادی، شاخص ادراک فساد، ۰/۳۷ واحد کاهش پیدا خواهد کرد. تولید ناخالص ملی سرانه یا درآمد ملی سرانه

1. Rose Ackerman
2. David Ng
3. Nadgrodkiewicz

اگرچه ممکن است شاخصی برای رفاه در نظر گرفته شود، اما توزیع درآمد را در یک کشور نشان نمی‌دهد؛ یعنی در جامعه‌ای ممکن است که تولید ناخالص ملی سرانه یا درآمد ملی سرانه افزایش یابد، در حالی که توزیع درآمد بدتر شده باشد؛ بنابراین افزایش درآمد سرانه در یک کشور نمی‌تواند الزاماً انعکاسی از افزایش سطح رفاه عموم افراد جامعه باشد. توزیع نابرابر درآمد منجر به ایجاد فاصله‌ی طبقاتی می‌شود که عاملی بر وجود فساد است.

ضریب متغیر نرخ پس‌انداز، منفی و معنی‌دار است. مطابق جدول (۴) با یک درصد افزایش شاخص نرخ پس‌انداز، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، $0/2$ واحد کاهش خواهد یافت. در مدل‌های رشد رمزی، کاس و کوپمنز^۱ پیشنهاد شده تا افزایش پس‌انداز از طریق انباشت سرمایه، منجر به افزایش درآمد شود. با توجه به ساختار کشورهای مورد مطالعه و امکان وجود نابرابری درآمدی در این کشورها، فاصله‌ی طبقاتی و درآمد ناشی از پس‌انداز، بیشتر و بیشتر خواهد شد و ثروت بیشتری در انحصار افراد قرار خواهد گرفت. تحلیل دیگر در ارتباط با موضوع مزبور این است که به دلیل نظارت ضعیف قانون در این کشورها، آن‌هایی که دارای ثروت و پس‌انداز بیشتری هستند به طبع استطاعت بیشتری نیز دارند و با پرداخت پول و رشوه، از نتایج مطلوب‌تری بهره‌مند می‌شوند، و افراد ناتوان، از امکانات بی‌بهره می‌مانند که در نتیجه فقر و فساد افزایش خواهد یافت.

شاخص سرمایه‌ی انسانی، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد به طوری که یک درصد افزایش در نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، $0/013$ واحد افزایش خواهد یافت. در جوامعی که شهروندان از آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه‌ی مردم پاسخگوترند؛ چرا که آن‌ها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه‌ی انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقای سرمایه‌ی انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر، تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد، که این خود موجب پاسخگوتر شدن حکومت‌ها و کاهش فساد می‌گردد.

میزان فساد اداری، رابطه‌ی مستقیمی با حجم دولت دارد. دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی، فرصت‌های زیادی برای سودجویی، رانت جویی، و اخاذی توسط کارکنان بخش عمومی فراهم می‌آورد؛ یعنی هر چه نفوذ و دخالت دولت در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه بیشتر باشد، فساد اداری بیشتر است. مطابق جدول (۴) با یک درصد افزایش شاخص اندازه‌ی دولت، شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری)، ۰/۴۸ واحد کاهش خواهد یافت.

■ نتیجه‌گیری

فساد اداری عارضه‌ای است که الگوسازی آن از دیدگاه نظری پیچیده، گردآوری و دسترسی به داده‌ها و ردیابی آن از دیدگاه تجربی دشوار، و مبارزه با آن از دیدگاه سیاسی حساسیت برانگیز است. به رغم پیچیدگی، دشواری و حساسیت، در سال‌های اخیر، پژوهش‌ها، شواهد تجربی و اقدامات بین‌المللی گسترده‌ای در این مقوله صورت پذیرفته و تا حدود زیادی به افزایش درجه‌ی وضوح شناسایی عناصر، مفهوم، علت‌ها، شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های ردیابی فساد اداری انجامیده است. به گونه‌ای که بحث فساد به عنوان یک علم جدید نگریده شده و تمام کشورها به کاهش آن همت گماشته‌اند؛ بنابراین در وهله‌ی اول برای بررسی هر پدیده‌ای مانند فساد اداری، ابتدا باید به علل به وجود آورنده‌ی آن توجه کرده و آن‌ها را شناسایی نمود تا بدین ترتیب بتوان از رشد آن جلوگیری کرد.

این مقاله به بررسی اثر جهانی‌شدن با استفاده از شاخص جدید و جامع جهانی‌شدن اقتصاد (FOK) بر فساد اداری، و برخی دیگر از متغیرهای اثرگذار به عنوان متغیرهای کنترلی بر افزایش شاخص ادراک فساد به عنوان معیاری برای کاهش فساد اداری برای کشورهای عضو منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا (ANEM) طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ پرداخته شده است.

نتایج حاصل از تخمین مدل دلالت بر این دارد که متغیرهای جهانی‌شدن،

دموکراسی، حقوق مالکیت و سرمایه‌ی انسانی، تأثیر مثبت و معنادار و شاخص توسعه‌ی اقتصادی، نرخ پس‌انداز و اندازه‌ی دولت، تأثیر منفی و معناداری بر شاخص ادراک فساد در گروه کشورهای منطقه‌ی منا داشته است؛ بنابراین به کشورهای عضو منا در راستای کاهش فساد اداری موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به این که کشورهای عضو منا کشورهای در حال توسعه بوده و عموماً در این گروه کشورها فساد بالا است، از طرفی جهانی شدن نیازمند به اصطلاحات ساختاری و نهادی، آزادسازی بازارها، افزایش رقابت و شفافیت معاملات و بهبود کیفیت خدمات در تمامی بخش‌های اقتصادی است، بنابراین به کشورهای مورد نظر پیشنهاد می‌شود زیر ساخت‌های خود را از طریق کاهش فساد قبل از پیوستن به تولید جهانی، فراهم آورند.

- با توجه به گزارش‌های جهانی مربوط به شاخص polity IV، شاخص دموکراسی در کشورهای عضو منا پایین است؛ بنابراین تلاش کشورهای عضو منا باید در راستای بهبود شاخص دموکراسی جهت کاهش فساد اداری بیشتر شود.

- حمایت از حقوق مالکیت از طریق تشویق نوآوری، خلاقیت فردی و گروهی کارکنان بر کاهش فساد اداری اثر مثبت دارد؛ بنابراین دولت‌های کشورهای عضو منا باید تدابیری در راستای افزایش حمایت از حقوق مالکیت انجام دهند.

- دولت‌های کشورهای عضو منا باید تدابیری در جهت تدوین قوانین مناسب مالیات بر درآمد و مالیات بر پس‌انداز و توزیع مجدد درآمدهای مالیاتی حاصله در بین اقشار ضعیف جامعه، سعی در کاهش توزیع نابرابر درآمد به عنوان عامل فقر و فساد نمایند.

- از آن‌جا که فقر علمی و آموزشی عامل بسیار اساسی در پیدایش فساد اداری به شمار می‌آید و با توجه به آثار زیانبار و متعددی که فساد اداری بر زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه می‌گذارد، ایجاد درک عمومی برای مبارزه با فساد از جمله طرق مطلوبی است که کشورهای عضو منا می‌توانند از طریق افزایش سطح آموزش و آگاهی افراد بر این امر نائل گردند.

• حضور دولت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های قیمت‌گذاری، عامل مهمی در ایجاد فساد اقتصادی و اداری است کاهش تصدی دولت در امور اقتصادی، باعث کاهش فساد اداری می‌شود.

■ منابع

افضلی، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه، علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت. مجله‌ی حقوقی بین‌المللی، نشریه‌ی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری. ۲۸(۴۵). ۲۶۴-۲۳۵.

الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۸). مدیریت عمومی. تهران، نشر نی.

تقوی، مهدی، نیکومرام، هاشم، غفاری، فرهاد و طوطیان، صدیقه. (۱۳۹۱). رابطه فساد اداری و رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک. فصلنامه مدیریت، ۸(۲۱). ۱۰۳-۸۸.

شائمی برزکی، علی، فرخی، مجتبی و امیری، زینب. (۱۳۹۱). فساد اداری مانعی برای گسترش کارآفرینی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. دانشگاه مازندران.

Akhter, S. H. (2004). Is Globalization What It Is Cracked Up to Be? Economic Freedom, Corruption, and Human Development. *Journal of World Business*, 39(3), 283 – 295.

Bhagwati, J. (2004). In Defense of Globalization. New York: Oxford University Press. (Ch. 1).

Blackburn, K., Gonzalo, F., & Forgues, P. (2010). Financial Liberalization, Bureaucratic Corruption and Economic Development. *International Money and Finance*, 29, 1321-1339.

Brendan, P. (2007). Democracy, Property Rights and FDI in Developing Countries A Regional Analysis. Honor Paper Presented

to Macalester College, Economic Department. Minneapolisfed.org/ mea/contest/ 2007.

Bonaglia, F., Braga de Macedo, J., & Bussolo, M. (2001). How Globalization Improves Governance. OECD working paper, No. 181.

Chu, D., & Sung, H.E. (2003). Does Participation in the Global Economy Reduce Political Corruption?. *International Journal of Comparative Criminology*, 3(2), 94 – 118.

Das, J., & DiRienzo, C. (2009). The Nonlinear Impact of Globalization on Corruption. *The International Journal of Business and Finance Research*, 3(2), 33-46.

David, Ng. (2006). The Impact of Corruption on Financial Market. *Managerial Finance*, 32, 822-836.

Dionisios, A., George, A., & Ioannis, S. (2011). Corruption, Globalization and Development: How Are These Three Phenomena Related?. *Journal of Policy Modeling*, 33, 636–648

Dong, B., & Torgler, B. (2011). Democracy, Property Rights, Income Equality, and Corruption. CREMA – Centre for Research in Economics, Management and the Arts, Switzerland and CESifo, Germany.

Elliott, K.A. (1997). Corruption as an International Policy Problem: Overview and Recommendations. *Corruption and Global Economy*, ed. by K.A. Elliott, Institute for International Economics, Washington D.C.

Gatti, R. (1999). Corruption and Trade Tariffs, or a Case for Uniform Tariffs. World Bank Policy Research working paper, No. 2216.

Glynn, P., Korbin, S.J., & Naim, M. (1997). The globalization of corruption. *Corruption and the Global Economy*, edited by K.A. Elliott. Washington DC: Institute for International Economics.

Granger, C.W.J. (1986). Developments in The Study of Cointegrated Economic Variables. *Oxford Bulletin of Economic and Statistics*, 48, 213-228.

Greaff, P., & Mehlkop, G(2003). The Impact of Economic Freedom on Corruption: Different Pattern For Rich and Poor Countries, *European Journal of Political Economy*, 19, 605-620.

Joseph. A., & Bomidele, T. B. (2012). Effect of Globalization in A Corruption Economy: Eviden for Nigeria. *Journal of Management and Corporate*, 4, 1-12.

Kahana, N., & Liu Qijun, A. B. (2010). Endemic Corruption. *European Journal of Political Economy*, 26, 82-88.

Knack, S., & Keefer, P. (1997). Institutions and Economic Performance: Cross Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics and Politics*, 7(3), 67-90.

Ksenia, G. (2008). Can Corruption and Economic Crime be Controlled in Developing Countries and if so, is it Cost effective?. *Journal of Financial crime*, 15(2), 223-233.

Leiken, R.S. (1997). Controlling the Global Corruption Epidemic. *Foreign Policy*, Winter, 55–73.

Mohabbat khan, M. (2011). Political and Administrative Corruption: Concepts, comparative experiences and Bangladesh case August [online]. www.ti-banglasesh.org/docs/Research/khan.html.

Nadgrodkiewicz, A.(2012) Property Rights, Development and Democratic Transition: The Path Ahead. *Center for International Privat Enterprise*, 1-5.

Saha, S., & Je Su, J. (2012). Investigating the Interaction Effect of Democracy and Economic Freedom on Corruption: A Cross-Country Quantile Regression Analysis. *Economic Analysis & Policy*, 42(3), 389-396.

Williams, J., & Beare, M. (1999). The business of Bribery: Globalization, Economic Liberalization, and the 'Problem' of Corruption. *Crime, Law, and Social Change*. 32(2), 115- 146.

Zdenek, D., & Warren, P. (1999). The Impact of Transparency on Foreign Direct Investment. *Economic Research and Analysis Division, ERAD 99-02*.